

بررسی مبانی، آثار و شرایط انواع عفو بانگاهی به قانون مجازات جدید

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ - تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۰۵/۰۵)

اکبر شهریاری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

موضوع عفو یکی از مباحث مهم در قانون مجازات اسلامی به شمار می آید که مهمترین هدف محقق در این مقاله شناخت مبانی، آثار و شرایط عفو و روشن نمودن ابعاد حقوقی آن با بهره گیری از منابع اسلامی و دیدگاه های حقوقدانان است که پیامد آن، بازگرداندن ثبات، آرامش و امنیت به جامعه و اصلاح مجرم می باشد. عفو به دو نوع عفو عمومی و خصوصی تقسیم شده است. عفو عمومی به موجب قانون اعطا می شود و از موجبات لغو تعقیب است و عفو خصوصی که فقط ناظر به مجازات و از موجبات لغو آن است، در جمهوری اسلامی ایران با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و تأیید مقام رهبری صورت می گیرد که با توجه به ماده ۹۶ ق.م.ا. عفو محکومان پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است. طبق ماده ۹۷ ق.م.ا. عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می کند، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود. با توجه به ماده ۹۸ ق.م.ا، عفو خصوصی همه آثار محکومیت را منتفی می کند؛ لیکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد. در نتیجه عفو عمومی در هر مرحله ای از دادرسی های کیفری قابل اعمال است در مرحله کشف، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم، درحالی که عفو خصوصی مختص مرحله بعد از صدور حکم قطعی است و پیش از آن قابل اعمال نیست.

۲۳۵



بخش اول: کلیات

عفو از گذشته های بسیار دور در جوامع گوناگون، ادیان و قبایل مطرح بوده و به صورت های مختلف اعمال می شده است و در آموزه های اسلامی و آیات و روایات وارده از معصومین علیه السلام مورد تأکیدات فراوانی قرار گرفته است. براین اساس قانون جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ موضوع عفو را به عنوان یکی از اختیارات رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برشمرده است. موضوع عفو در مواد ۹۶ و ۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان مصوب ۱۳۸۷، در حال حاضر مبنای عمل کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضاییه است. هدف از ایجاد تأسیس معافیت از کیفر، اصلاح بزهکار و تشویق او به داشتن رفتار مناسب و قانونمند و برگرداندن آرامش و امنیت به جامعه است، به همین دلیل با وجود اینکه احراز مجرمیت می شود، دادگاه بزهکار را از کیفر معاف می کند؛ البته به شرط آن که در مدت معین مرتکب جرم جدیدی نشود.

عفو در اصطلاح حقوق کیفری، به معنای اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری، مجلس قانونگذاری به منظور موقوف کردن تعقیب، دادرسی، اجرای حکم، مجازات و رفع آثار محکومیت از سبج کیفری است. اقسام بخشودگی؛ شامل عفو عمومی و عفو خصوصی است. در عفو عمومی قانون گذار که خود مرجع تعیین جرم و مجازات می باشد با وضع قانون جدید وصف مجرمانه را از اعمالی که جرم بوده یا سلب یا تعقیب و مجازات عمل مجرمانه ارتكابی را منع می کند. بنابراین عفو عمومی توسط قانونگذار اعطا می شود و نیازمند قانون خصوصی است، ولی عفو خصوصی نیاز به قانون نداشته و توسط بالاترین مقام کشور صورت می گیرد و موجب می شود که تمامی یا قسمتی از مجازات عفو شود. عفو خصوصی مربوط به اشخاص خاص و قید شده در عفونامه است و موجب از بین رفتن سوء پیشینه کیفری مجرمان نخواهد شد. تنها اثر این نوع عفو عدم مجازات مجرم است؛ اما در خصوص عفو عمومی باید خاطر نشان ساخت که این نوع عفو از طریق مجلس قانون گذاری و به موجب قانون انجام می شود. امروزه میان صاحب نظران در خصوص نوع عفو و کیفیت اعطای آن اختلاف نظر وجود دارد که آیا عفو اعطایی توسط عالیترین مقام، از نوع عفو عمومی است یا خصوصی؟

همچنین تردیدی نیست که حتی پس از محاکمه و صدور حکم نیز همواره اجرای مجازات یا کامل کردن آن بهترین و مؤثرترین شیوه اصلاح مجرم نیست؛ زیرا چه بسا مجرم در مدت دستگیری و

محاكمه یا تحمل مقداری از مجازات، از کرده خویش پشیمان شده باشد. در این صورت، اجرای مجازات به ویژه حبس، ممکن است آثار مخرب و نامطلوبی برجای گذارد و او را به سوی ارتکاب جرم در آینده سوق دهد.

بند اول: بررسی مفهومی موضوع

عفو به معنای گذشتن از گناه و ترك كیفر آن است و اصل و ریشه آن به معنی محو و نابودی است.^۱ عفو در لغت به معنای گذشت، مغفرت، آمرزیدن، ساقط کردن عذاب و بخشایش^۲ می باشد. در اصطلاح حقوق کیفری، عفو اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری یا مجلس قانون گذاری، به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می گیرد.^۳ هدف تحقیق شناخت و بررسی مبانی، آثار و شرایط عفو و روشن نمودن ابعاد قانونی آن با بهره گیری از منابع اسلامی، فقها و حقوق دانان با نگاهی به قانون مجازات اسلامی ۹۲ خواهد بود و بیان می دارد که عفو به دو نوع عمومی و خصوصی تقسیم می شود. نگارنده در جستجوی پاسخگویی به چگونگی مبانی، عفو در ایران با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است و آیا آثار و شرایط عفو در نظام حقوقی ایران، نتایج و اثر بخشی لازم را در کاهش میزان جرایم در آینده دارد؟ به نظر می آید عفو تعقیب و دادرسی و اجرای مجازات را موقوف و آثار محکومیت را زائل می کند؛ که نتیجه اش بازگرداندن امنیت به جامعه و اصلاح مجرم است؛ اما آیا می توان پاسخ گوی شبهه ها، نواقص و کاستی هایی در مورد عفو عمومی و خصوصی شد، هنوز مورد اختلاف نظر حقوقدانان است.

بند دوم: شناخت مفهومی اصلاح و واژه عفو

«عفو» (ع ف و) [ع] ۱- (مص م). بخشودن، گذشت کردن. ۲- (امص). بخشایش، گذشت. در لغت به معنی از کنار کسی گذشتن، بخشودن و گذشت کردن است.^۴ راغب در مفردات این معنی را ریشه اصلی نمی داند و معتقد است که عفو به معنای قصد گرفتن چیزی است و به همین مناسبت به وزش بادهایی که منجر به ویرانی و گرفتن چیزی می شود، این واژه اطلاق شده است و اگر به محو کردن،

^۱ - لسان العرب، ابن منظور، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶، چاپ اول، ج ۹، ص ۲۹۴

^۲ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۰، ص ۱۵۹۷۱.

^۳ - اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱.

^۴ - معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۳، ص ۲۳۱۹.





عفو اطلاق می‌گردد بخاطر این است که آن هم نوعی قصد برگرفتن چیزی است.^۱ اعطای عفو بر حسب مرجع اعطا کننده به عفو عمومی یا عام و عفو خصوصی یا خاص قابل تقسیم است. در عفو، صاحب حق، حق خود را ساقط کرده و مطالبه نمی‌کند، مانند عفو اولیای دم از قاتل، عفو مجروح از جراح و عفو مظلوم از ظالم.

عفو در اصطلاح حقوقدانان، در معانی زیر نیز آمده است: اسقاط مجازات به وسیله رئیس یک کشور و یا امام، قدر مشترک ابراء و هبه و نیز در علم اصول به معنای اباحه و براءت است.^۲ عفو، اقدامی مبتنی بر اغماض و مصالح جامعه و فرد است، که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری یا مجلس قانونگذاری، به منظور متوقف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان، صورت می‌گیرد.^۳ به نظر می‌رسد این تعریف جامع‌تر و کاملتر از سایر تعاریف باشد.

بنابراین از طرفی عفو، گذشت شخص متضرر از جرم، از شخص مرتکب جرم است و از طرف دیگر، گذشت امام یا حاکم مسلمین (قاضی جامع شرایط) از شخص یا اشخاصی، که ممکن است به شکلهای عفو عام، عفو خاص، یا عفو بعد از گذشت متضرر از جرم محقق گردد. منظور ما از عفو در این جا، با توجه به موارد فوق صورت دوم آن می‌باشد که منوط به عفو حاکم، و عفو بعد از گذشت متضرر جرم است.

خداوند در قرآن همانگونه که جزای مجرمان را در نظر گرفته است، عفو را برای افراد پیش بینی نموده است و می‌فرماید: «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۴، یعنی: مجازات هر بدی، بدی است و همچنین اگر کسی عفو کند پاداش او بر عهده خدا است. آنچه مسلم است، این است که بیشترین استفاده از این صیغه در قرآن کریم، همان مفهوم رایج و شایع آن، یعنی از گناه کسی گذشتن و بخشودن یا بخشایش است. عفو در اصطلاح حقوق کیفری به معنای اقدامی است که با تصویب نهاد های حکومتی اعم از نهاد رهبری، مجلس قانونگذاری به منظور موقوف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان صورت می‌گیرد. این تعریف عام است و شامل عفو خصوصی و عمومی هر دو می‌شود.

^۱ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، قم، طلیعه نور، چاپ اول، ۱۴۲۶، ج ۱، ماده عفا

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مسوط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۲۵۵۳.

^۳ - اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، چاپ بیستم، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱.

^۴ - آشوری/۴۰

الف) عفو عمومی

در خصوص برخی جرایم یا گروهی از مجرمین که معمولاً در شرایط خاص مبادرت به اعمال مجرمانه ورزیده‌اند، قانون‌گذار با هدف اعاده آرامش، اعطای فرصت مجدد برای متخلفین، تقلیل التهاب اجتماعی و یا بسترسازی برای آشتی ملی، مبادرت به اعلام عفو عمومی با توسل به اختیارات قانونی خود می‌نماید.

عفو عمومی یکی از موارد سقوط مجازات و یکی از اسباب برداشتن محکومیت جزایی^۱ است. عفو عمومی به موجب قانون خاص نوعی و کلی است و در مواردی که عده زیادی در مقاصد معین شرکت کرده باشند، صادر می‌شود. این عفو ممکن است حتی قبل از دادرسی اعلان شود، معافیت از مجازات در این عفو تمام آثار جرم را از بین می‌برد. بنابراین عفو عمومی اصولاً شامل حال کلیه مرتکبان (پیش از تعقیب و در حال تعقیب) و محکومان قطعی و غیر قطعی است، اما در فرمان عفو ممکن است خلاف این اصل پیش بینی شود.

ب) عفو خصوصی

در نظام جمهوری اسلامی ایران، رهبر عالی‌ترین مقام اجرایی است و عفو از سوی رئیس قوه قضاییه پیشنهاد می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت: «عفو خصوصی تصمیمی است که به ابتکار و با پیشنهاد قوه قضاییه و موافقت عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، یعنی رهبری گرفته می‌شود و به موجب آن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان بخشوده و یا به مجازات خفیف تری تبدیل می‌شود».^۲ در فرهنگ حقوقی آکسفورد، منشأ چنین بخششی حق رأفت و رحمت حکمران و رئیس حکومت دانسته شده است. یکی از شارحان قانون اساسی در تعریف عفو خصوصی با توجه به این مورد می‌گوید: «عفو خصوصی، گذشت توأم با عطفی است که در آن رئیس قوه مجریه (عالی‌ترین مقام کشور) تمام یا قسمتی از محکومیت را می‌بخشد یا تخفیف می‌دهد یا مجازات را به مجازات سبک تری تبدیل می‌نماید».^۳ به موجب اصل نود پیش نویس قانون اساسی، در خصوص اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی سابق و شورای اسلامی جدید به این شرح تصویب شده بود: «اعلام عفو عمومی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور است. همچنین رئیس جمهور حق دارد در حدود قوانین،

^۱ - آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۳، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳.

^۲ - اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۶۱.

^۳ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۱۰۰.



مجازات محکومان را تخفیف دهد».^۱ چنانچه به مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل یکصد و دهم در باب اختیارات مقام رهبری مراجعه شود، در مورد تصویب اختیار اعطای عفو عمومی و چگونگی آن عده‌ای معتقد بودند باید در قانون اساسی، مفهومی تحت عنوان عفو عمومی و به موجب اصلی جداگانه، گنجانده و اختیار آن به مقام رهبری واگذار شود و این واگذاری به موجب پذیرش اصل ولایت فقیه و حق اعمال ولایت وی در تمام ابعاد جامعه اسلامی است.^۲ به رغم وجود اختلاف نظر در خصوص موضوع فوق، مبحث عفو عمومی و چگونگی و مقام اعطا کننده آن در نهایت مورد غفلت قرار گرفته و در خصوص نقش مجلس در این مورد هیچ سخنی به میان نیامده است و بالاخره با نادیده گرفتن و حذف اصل ۹۰ پیش نویس، تدوین کنندگان قانون اساسی بدون تعیین تکلیف راجع به تأسیس عفو عمومی در قالب بند ۱۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی (وظایف و اختیارات رهبری) چگونگی اعطای عفو خصوصی را مورد تصویب قرار داده‌اند.^۳ همین موضوع باعث شده که اعضای شورای بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیز علیرغم تأکید بر پذیرش اصل ولایت مطلقه فقیه و با بحث فراوانی که راجع به اختیارات ولی امر نموده باشند،^۴ تنها با تغییری جزئی در خصوص مقام پیشنهاد دهنده عفو خصوصی، هیچ مذاکره یا مصوبه‌ای در خصوص عفو عمومی نداشته‌اند و بدین ترتیب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باب عفو عمومی هیچ مصوبه و راهکاری ارائه نداده است، هر چند شایسته بود قانونگذار با نگاهی جدی به این مسأله، خلأ را جبران می‌کرد و تمام ابهام‌هایی را که هنوز گریبانگیر جامعه حقوقی است، برطرف می‌ساخت.

هر چند در قانون اساسی در اختیارات و صلاحیت و کیفیت اعطای عفو عمومی سخن به میان نیامده است، لکن با برداشت موسع از اصل هفتاد و یکم قانون اساسی^۵ از یک طرف و با در نظر گرفتن

^۱ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۴، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، چاپ اول ۱۳۶۴، ص ۱۵۴.

^۲ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۲۴، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، چاپ اول ۱۳۶۴، ص ۱۱۹۹.

^۳ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۲۴، همان، ص ۱۲۰۶.

^۴ - پیشین، جلد ۳، ص ۱۳۰۷.

^۵ - اصل ۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

دیدگاه‌های دیگر حقوقدانان^۱ می‌توان این اختیار را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی دانست؛ چرا که صلاحیت قانونگذار از این حیث محدود نیست اگر چه برخی معتقدند که این عفو اعم از عمومی و خصوصی در صورتی مشروعیت دارد که به نحوی به ولی امر منتسب گردد^۲ و حقوقدانان عرب نیز بر آن صحه گذاشته‌اند^۳ و برخی آن را از شئون ولی امر دانسته‌اند.^۴ در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۹۶ قانون مزبور، عفو خصوصی پیش بینی شد. این ماده مقرر می‌دارد: «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با مقام رهبری است». حال چنانچه مجلس شورای اسلامی بنا به مصلحت، اقدام به تصویب قانون مبنی بر عفو عمومی نماید و سپس آن قانون به تصویب شورای محترم نگهبان و فقهای انتخاب شده از سوی ولی امر برسد، چنین قانونی لازم الاجرا خواهد بود و در عمل نیز مجلس شورای اسلامی و قبل از آن شورای انقلاب چنین قوانینی را به تصویب رسانیده‌اند.^۵

بند سوم: رویه عفو و بخشودگی در حقوق موضوعه

رویه جاری در خصوص عفو به دو صورت عمومی و خصوصی صورت می‌گیرد، به طوری که اختیار رهبر در اعطای عفو خصوصی در قبال محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، به جز رعایت «موازین اسلامی» قید دیگری ندارد. درباره تفاوت آثار عفو عمومی و خصوصی بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود دارد و همگی معتقدند که عفو خصوصی موجب معافیت محکوم کیفری از اجرای کیفر مورد عفو است، اما آثار محکومیت کیفری جز کیفر اصلی و هر آنچه در حکم عفو بدان تصریح شده باشد، به قوت خود باقی است، در حالی که «عفو عمومی» همه آثار محکومیت کیفری را از بین می‌برد، جز

۲۴۱



^۱ - گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاء‌الدین نقابت، جلد دوم، تهران، چاپ اول، انتشارات ابن سینا، بی تا، ص ۷۶۶.

^۲ - قدسی، سید ابراهیم و سید رضا سجودی، «عفو در حقوق کیفری ایران و بررسی فقهی آن»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۵، سال ۱۳۸۵، ص ۱۶.

^۳ - عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (التشریح الجنایی الاسلامی)، جلد اول، تهران، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۳.

^۴ - ابن‌الکریم، زید، پیشین، ص ۸۸.

^۵ - در این خصوص میتوان به قانون عفو و منع تعقیب دارندگان اسلحه غیر مجاز مصوب ۱۶ فروردین ۱۳۶۲ توسط مجلس شورای اسلامی دوره اول و لایحه قانونی عفو عمومی متهمان و محکومان جزایی مصوب ۱۳۵۸/۶/۱۳ توسط شورای انقلاب اشاره نمود.



آنچه در حکم عفو استثنا می‌شود. براین اساس قانون اساسی در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ موضوع عفو را به عنوان یکی از اختیارات رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران برشمرده است و به تبع آن در قوانین عادی موضوع عفو پیش بینی شده است، همچنین مواد ۹۶ و ۹۸ و ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب^۱ و ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که در همه آنها موضوع عفو مورد تبیین قرار گرفته است و براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی و آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومان مصوب ۱۳۸۷ در حال حاضر مبنای عمل کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه است.

در ماده ۲۵ آیین نامه^۲ به صراحت بیان شده است که جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر، در موارد حق الناس (قصاص که باید از سوی اولیای دم صورت گیرد)، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف و جرایم علیه امنیت (جاسوسی، محاربه، آدم‌ربایی، اغتشاش) امکان عفو مجرمان وجود ندارد. مفهوم مخالف این ماده این است که عفو شامل جرایم دیگر می‌شود. عفو عمومی را قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) مقرر می‌کند و شامل متهمانی می‌شود که طبق ماده ۹۷ ق.م.ا، مثلاً در جریان یک شورش، حادثه‌ای اتفاق افتاده و ۱۰۰ نفر در این شورش، هنوز محکوم نشده‌اند و قانون این ۱۰۰ نفر محکوم را از مجازات معاف می‌کند. گاهی هم عفو به صورت موردی اتفاق می‌افتد که اساس آن بر رفتار و کردار زندانی در زندان است، به طوری که پیشنهاد اعطای عفو در کمیسیونی به همین نام ارائه می‌شود و سپس با در نظر گرفتن مواردی همچون شرکت زندانی در فعالیت‌های مذهبی، اصلاحی و مانند اینها برای او درخواست عفو خواهد شد. «رأفت اسلامی» بهترین عنوان برای عفوهای مناسبی به زندانیان است، زیرا از یک سو می‌تواند تأثیری عمیق و ماندگار بر ادامه رفتار زندانی در بیرون از زندان و خانواده آن بگذارد و از سوی دیگر، سایر زندانیان را به رویکردهایی مانند عفو در اعیاد و تشویق آنها برای رفتار پسندیده در زندان آگاه کند. عفو می‌تواند پاداش حسن رفتار و اخلاق مجرم در دوره

^۱ - ماده ۶ ق. آ. د. ع. و ا. ک. تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: اول - فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی. دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت. سوم - مشمولان عفو. چهارم - نسخ مجازات قانونی. پنجم - اعتبار امر مختومه. ششم - مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده. تبصره - هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.

^۲ - آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضائیه

تحمل مجازات حبس باشد، عفو می تواند موجبی برای باز اجتماعی شدن مجرم و ایجاد فرصت جدید برای وی جهت ارائه خدمات مثبت به جامعه و جبران آسیب های وارده به جامعه باشد.

بخش دوم: بررسی شرایط و آثار عفو در قانون مجازات اسلامی جدید

بند اول: خصایص و ویژگی های عفو

- در عفو اسلامی افرادی که طبق تایید مقام عالی قضایی برای عفو مورد تأیید باشند به رهبری اعلام شده و به دستور ایشان مورد عفو قرار می گیرند. شرایط عفو در موارد زیر احراز می شود:
- اگر جرمی مورد عفو واقع شود و شاکی خصوصی دادخواست ضرر و زیان نداده باشد، قرار تامین خواسته صادره در آن مورد باید فک شود.
 - هرگاه شخصی محکوم به حبس و رد مال حاصل از جرم به صاحب آن شود و حبس او مشمول عفو عمومی شود، حکم به رد مال چون جنبه کیفری ندارد، مشمول عفو نمی شود.
 - عفو یا تخفیف مجازات به وسیله مقام رهبری مربوط به بعد از قطعیت احکام است.
 - عفوی که از طرف مقام رهبری داده می شود عفو خصوصی است و تاثیری در مجازات های تبعی و تکمیلی ندارد.
 - عفو شامل انفصال خدمت نمی شود؛ مگر در موارد مصرح در قانون.
 - لغو حکم آزادی مشروط و یا تعلیق اجرای حکم مانع استفاده از عفو نیست.
 - در صورتی که فرمان عفو، کلی باشد و زندانیان خاصی را چه از نظر نوع مجرمیت و یا از نظر تابعیت بیگانه مستثنی نکرده باشد، عفو شامل اتباع خارجی با رعایت شرایط می شود.
 - استفاده از عفو در محکومیت به جزای نقدی، بنا بر آنچه از ماده ۴ آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی و تبصره های ذیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی استنباط می شود، منع قانونی ندارد و استفاده قبلی متقاضی از آزادی مشروط در مورد حبس، موجب محرومیت او از استفاده از عفو مقام رهبری نیست.
 - عفو عمومی که به تصویب قوه مقننه می رسد رافع آثار جرم و محکومیت است. سایر عفوها فقط اجرای حکم را موقوف می کند، اما آثار محکومیت به حال خود باقی است؛ بنابراین محکومینی که قبل از اتمام مجازات مشمول عفو و از زندان آزاد شده اند، عفو آنان رافع آثار قبلی نمی شود.
 - قاضی مجری نیابت نیز می تواند پیشنهاد عفو محکوم علیه را بدهد.



- عفوی که قوه مقننه و یا شورای انقلاب اسلامی تصویب و اعطا کرده، عفو عمومی محسوب و عفوی که مقام رهبری اعطا کنند، عفو خصوصی است و در عفو خصوصی آثار تبعی جرم زائل نمی‌شود، مگر اینکه در دستورالعمل عفو خصوصی تصریح شده باشد.
- گاهی هم عفو به صورت موردی اتفاق می‌افتد که اساس آن بر رفتار و کردار زندانی در زندان است؛ به طوری که پیشنهاد اعطای عفو در کمیسیونی به همین نام ارائه و با در نظر گرفتن مواردی همچون شرکت زندانی در فعالیت‌های مذهبی، اصلاحی و ... برای او درخواست عفو می‌شود.
- گاهی عفو تعدادی از زندانیان و خروج آنان از زندان، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد، بنابراین این گروه که جزو مشتریان دایمی زندان‌ها هستند، به دلیل تعدد ارتکاب به جرایم مشمول عفو نخواهند شد.
- بر اساس رأفت اسلامی امتیازاتی به زندانی ارائه می‌شود که عفو مشروط یا تعویق اجرای حکم، یکی از آنهاست، اما تصمیم نهایی با مقام رهبری و تفویض رئیس قوه قضاییه است.
- برای اینکه زندانی بتواند از این رأفت اسلامی برخوردار باشد، باید مواردی را رعایت کند که در میان آنها، در پیش گرفتن اخلاق و رفتار مناسب در زندان و تاثیرگذاری بر سایر هم‌سلولی‌ها، از نکات اصلی به شمار می‌رود.

بند دوم: مبانی عفو عمومی

عفو عمومی یکی از اسباب سقوط دعوی به شمار می‌آید و جنبه آمرانه دارد. متهم یا محکوم علیه حق ندارد از قبول آن امتناع ورزد. عفو عمومی به موجب قانون مقرر می‌شود و می‌تواند در کلیه مراحل دادرسیهای کیفری، تعقیب متهم و یا اجرای مجازات را موقوف نماید. اکنون باید دید مبنای نظری عفو چیست؟ آیا عفو محکومان توجیه حقوقی و اجتماعی دارد یا خیر؟ و در صورت داشتن توجیه، آیا شارع مقدس اسلام نیز آن را تجویز کرده است؟

«صرف نظر از اینکه حکومت‌ها از زمان‌های گذشته گاه به لحاظ ملاحظات خاصی تعقیب یا مجازات مجرمین را متوقف می‌کردند عموماً پس از تحولات سیاسی و بحران‌های اجتماعی یا اتفاقات غیر عادی همچون جنگ و خاتمه بحران و رفع بیم هر گونه بی‌نظمی، رئیس حکومت یا قوه مقننه متهمین را مورد عفو عمومی قرار می‌دهند که بدین وسیله حس کینه توزی و انتقام و میل مرتکبین جرایم مزبور که ممکن است در صدد به دست آوردن فرصت و تکرار عملیات خود باشند تسکین داده می-

شود.^۱ تردیدی نیست که اجرای مجازات همیشه بهترین و موثرترین شیوه برای اصلاح بزهکار نیست و مصلحت جامعه نیز همیشه مقتضی مجازات شدن مجرم نیست. بر همین اساس از روزگاران کهن قضا زدایی و کیفر زدایی به روش های مختلف، مطرح بوده است. اگر پیامبر (ص) پس از فتح مکه عفو عمومی اعلام نمی کرد بسیاری در صدد فرصت و ضربه زدن به پیامبر (ص) و حکومت نوپای اسلام بر می آمدند. اما پیامبر (ص) با دوراندیشی که داشتند، نه تنها از این تهدید جلوگیری کردند، بلکه با نشان دادن رأفت اسلامی، باعث شدند تا مردم دسته دسته و فوج فوج به سوی اسلام بیایند.

بنابر منابع اسلامی، عفو عمومی اولاً و بالذات متعلق به خداوند است^۲ و به جعل شارع مقدس، پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی در غیاب معصوم (ع) می توانند در اوضاع و شرایط خاصی خواه به صورت مطلق و خواه مشروط، با در نظر گرفتن غبطه و منافع جامعه اسلامی آن را اعطا نمایند.^۳ از این رو طبیعت و خصوصیت عفو عمومی، عمومیت آن است، به این معنا که در مورد متهمان و محکومان متعدد اعمال می شود، نه یک فرد. عفو عمومی آن بخشودگی است که وصف مجرمیت را از فعل مرتکب می زداید؛ با این بیان که عفو به زمان اجرای مجازاتی که شامل عفو شده برمی گردد و صفت مجرمیت را از آن فعل می گیرد، گویا چنین عملی انجام نشده است یا اصلاً قانون چنین عملی را جرم نمی شناسد.^۴ برخی با تفصیل بیشتر گفته اند: در واقع عفو عمومی، به صورت عطف به ماسبق شدن خصیصه مجرمانه را از برخی اعمال می گیرد. توضیح اینکه اعمالی که طبق قانون، جرم به حساب آمده و محقق شده و شخص به واسطه آن اعمال محکوم شده و بعداً به موجب قانون دیگری فرض می شود که آن عمل هرگز جرم نبوده است و خصیصه مجرمانه از آنها گرفته می شود. بنابراین عفو عمومی معمولاً برای جرائمی است که در مواقع انقلابات سیاسی و بحران های شدید اجتماعی وقوع می یابد و عده زیادی از افراد جامعه به خاطر مقاصد مشترک سیاسی- اجتماعی در آن



^۱ - سمیعی، حسن، حقوق جزا، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۵۲.

^۲ - مانده/ ۹۵ «خداوند از آنچه در گذشته واقع شده، عفو کرده است و هر کس تکرار کند خداوند از او انتقام می گیرد»

^۳ - در آیات مختلف، خداوند علاوه بر امر بر اطاعت مسلمین از پیامبر و ولی فقیه («اطيعوا الله و اطيعوا الرسول...») (سوره نساء، آیه ۵۹)، بر عفو عمومی تأکید نموده است. از جمله در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران که شأن نزول آن در ارتباط با آن دسته از مسلمانان است که در جنگ احد اقدام به فرار نمودند. که خداوند می فرماید: «ایشان را عفو کن و برای ایشان طلب آمرزش نما».

^۴ - زاکی صافی، طه، المبادئ الاساسية لقانون العقوبات البناني، القسم العام، طرابلس لبنان، الموسسه الحديثه للكتاب، الطبعه الاولى، ۱۹۹۳ میلادی، ص ۴۱۲.

^۵ - افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۳.

شرکت می کنند. حق عفو عمومی متعلق به جامعه است. لذا جامعه می تواند بنا به مصالح و مقتضیات از تعقیب مجرمان و حتی از اجرای مجازات مقرر درباره آنان صرف نظر بکند.

بند سوم: شرایط عفو عمومی

از دیدگاه قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط معافیت از کیفر در ماده ۳۹ ق.م.ا، فقدان سابقه کیفری مؤثر است. شرط بعدی آن است که شاکی گذشت کند و فرد محکوم علیه زیان شاکی را جبران کند یا ترتیبی برای جبران آن بدهد. این موارد شرایط معافیت از کیفر در ماده ۳۹ ق.م.ا، است که ناظر به جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ است. قانونگذار در ماده ۴۵ ق.م.ا، می گوید: «شرط معافیت از کیفر آن است که باید مدت تعویق بگذرد». مدت تعویق در ماده ۴۰ ق.م.ا، شش ماه تا دو سال است که دادگاه مدت آن را تعیین می کند و لازم است این مدت طی شود تا دادگاه ملاحظه کند شخص مرتکب جرم که مجازاتش تعویق شده، چقدر به دستوراتی که دادگاه تعیین کرده، پایبند بوده است؟ این که گفته می شود که در ماده ۳۹ ق.م.ا، حکم قطعی نیست، باید گفت حکمی که صادر می شود می تواند قطعی شود. تفاوت ماده ۳۹ ق.م.ا، با ماده ۴۵ ق.م.ا، این است که در ماده ۳۹ ق.م.ا، دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت، مثلاً در فرض تخفیف مجازات، یک تخفیف برای شخص در نظر می گیرد یا با لحاظ وضع شخص، حکم معافیت از کیفر صادر می کند. در شرایط استفاده از عفو موارد زیر رعایت می شود که عبارتند از:

- ۱) نداشتن بیش از دو فقره سابقه محکومیت مؤثر کیفری.
 - ۲) عدم ارتکاب جرم عمدی جدید مستوجب مجازات درجه یک تا پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در ایام تحمل حبس یا در زمان مرخصی اعطایی.
 - ۳) نداشتن شاکی خصوصی و یا جلب رضایت وی و یا جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی و زیان دیده (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) تا تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱.
 - ۴) عدم استفاده از عفو در محکومیت های قبلی و فعلی.
- لازم به ذکر است معاونت در جرائم به استثناء قتل عمد، نیاز به جلب رضایت شاکی خصوصی نداشته و مانع اعمال عفو نمی باشد.
- بنابراین، عفو (اعم از عمومی و خصوصی) در صورتی مشروعیت دارد که به نحوی به ولی امر منتسب شود و با توجه به ماده ۲۵ آئین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین شرایط عفو و تبدیل مجازات به آنها تعلق گیرد.

بند چهارم: آثار و مبانی عفو عمومی

عفو عمومی پیش از محکومیت قطعی، دعوای عمومی را ساقط می‌سازد. بنابراین چنانچه دعوای عمومی تعقیب نشده باشد، پس از آن دیگر تعقیب نخواهد شد و یا اگر تعقیب شروع شده و منتهی به صدور حکم نشده باشد موقوف می‌گردد.^۱ از آنجا که عفو عمومی از قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی است، شخص نمی‌تواند از قبول آن امتناع نماید و تقاضای تعقیب و رسیدگی به اتهام خود را از مرجع قضایی بخواهد. بنابراین هر گاه متهم تعقیب شده باشد و دعوای عمومی به صدور حکم قطعی منتهی شود با عفو عمومی آثار محکومیت زایل می‌گردد.

از آن جهت که عفو عمومی موجب محو کلیه آثار جرم از جمله مجازات‌های اصلی و تبعی و تکمیلی شده و نیز شامل معاون جرم می‌گردد و موجب زوال وصف مجرمانه می‌گردد.^۲ به نظر می‌رسد تفاوت اصلی عفو عمومی با نسخ قانون^۳ در همین نکته بسیار مهم است که عفو عنوان مجرمانه را زایل نمی‌کند بلکه اعمالی را که از نظر قانون همچنان جرم است چنانچه در قبل ارتکاب یافته باشد به جهت مصالحی که بیان شد مشمول عفو قرار می‌دهد و در صورتی که عنوان و وصف مجرمانه را زایل نماید در آن صورت بدان نسخ قانون گفته می‌شود. بنابراین عفو عمومی در هر مرحله‌ای که باشد تعقیب را متوقف می‌نماید و در تمام مراحل اعم از تعقیب و قبل از صدور حکم و یا بعد از آن قابل اعطا است.^۴ این عفو محکومیت کیفری را زایل می‌کند و چنانچه قسمتی از مجازات اجرا شده باشد، از اجرای بقیه آن خودداری به عمل می‌آید و محکوم علیه فوراً آزاد می‌شود.^۵ در صورت تصریح قانونگذار، علاوه بر مجرمین اصلی، شرکا و معاونین جرم را نیز شامل می‌شود چرا که اصولاً صرفنظر از شخصیت مجرمین اعطا می‌گردد؛ مگر اینکه عفو به صورت شخصی باشد که به طبقه خاصی و یا فرد خاصی اطلاق داشته باشد که در این صورت شرکاء و معاونین جرم، قابل تعقیب و مجازات می‌باشند. عفو عمومی از علل



۱- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۲۷۲ و ایرج گلدوزیان، پیشین، ص ۴۱۲.

۲- ر.ک: صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱، ص ۳۲۲، ایشان معتقدند که: قانونگذار که خالق جرایم و مجازات‌هاست می‌تواند وصف مجرمانه را از اعمالی که جرم بوده است بزداید.

۳- ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص نسخ قانون مقرر می‌دارد: «نسخ قانون، تعقیب و اجرای مجازات را موقوف می‌کند. آثار نسخ قوانین کیفری به شرح مندرج در ماده (۱۰) این قانون است.»

۴- گارو، رنه، پیشین، ص ۷۶۵.

۵- در این خصوص ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «عفو عمومی ...، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.»



سقوط دعوا محسوب می‌گردد، لذا عنوان مجرمانه را زایل نمی‌کند و تنها قوه مقننه اعمال و افعالی را که جرم بوده و هست، به دلایل سیاسی و اجتماعی مورد عفو قرار می‌دهد.^۱ عفو عمومی حق تکلیف تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم درباره رفتار مورد عفو را از مرجع قضایی سلب می‌کند. همینطور در ماده ۶ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب^۲ در امور کیفری، تنها در برگیرنده صدور قرار موقوفی تعقیب و قرار موقوفی اجرای مجازات درباره متهمان تعقیب شده و محکومان قطعی یا کسانی است که در حال تحمل مجازات می‌باشند، زیرا در صورت تعقیب پس از عفو باید قرار منع پیگرد صادر شود نه موقوفی تعقیب. اجرای مجازات همیشه بهترین و موثرترین شیوه اصلاح مجرم نیست زیرا چه بسا افرادی هستند که همین مقدار که خود را خطاکار یافتند، متنبه شده و از راه خطا برمی‌گردند. امام علی (ع) می‌فرماید: «رب ذنب مقدار العقوبه علیه اعلام المذنب به».^۳ چه بسا جرمی که صرف اعلام و گوشزد کردن آن به مرتکب برای مجازات کردن وی کافی است. در این گونه موارد حفظ شخصیت اجتماعی و عزت و احترام او در جامعه، آثار اصلاحی بهتری دارد و شخص خود را در مقابل مدیریت جامعه و سازمان اجتماعی بدهکار می‌بیند. به عکس، اجرای مجازات به حیثیت وی ضربه زده و نه تنها ارتکاب جرم قبح و زشتی اولیه‌اش را در نظر او از دست می‌دهد و ننگ مجازات شدن در نظرش کمرنگ می‌شود، بلکه ممکن است شکسته شدن حیثیت اجتماعی، در دل او کینه و نفرتی ایجاد کند که به فکر انتقام برآید و مخالفت‌های شدیدتری را مرتکب گردد. بر همین اساس در فرهنگ اسلامی مخصوصاً بر این نکته تأکید شده است که تا گذشت و اغماض ممکن است از مجازات و کیفر دادن استفاده نشود. امام علی (ع) در وصیته به امام حسن (ع) می-

^۱ - شیری، عباس، پیشین، ص ۶۵.

^۲ - ماده ۶ - تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:
اول - فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات‌های شخصی.

دوم - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت.

سوم - مشمولان عفو.

چهارم - نسخ مجازات قانونی.

پنجم - اعتبار امر مختومه.

ششم - مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده.

تصوه - هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افافه تعقیب متوقف خواهد شد.

^۳ - لیشی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶، ص ۲۶۷.



فرمایند: «اگر یکی از شما خطایی مرتکب شد، عفو همراه با عدالت، ضربه‌اش موثرتر از مجازات است، البته نسبت به کسانی که عقل دارند».^۱

امام (ع) دو قید را آورده‌اند: یکی عدالت است، زیرا عفو زمانی شایسته است که موجب تزییع حق دیگران نشود و دیگری درک ارزش عفو است. کسی که نمی‌تواند ضربه عفو را درک کند باید ضربه مجازات او را به خود آورد. از این رو در روایات به عفو و گذشت نسبت به لغزش انسان‌های با شخصیت بیشتر تأکید شده است. حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: از لغزش مردم نیک و باشخصیت چشم پوشی کنید.^۲

باید به این نکته توجه کرد که اگر غرض اصلی از مجازات، اصلاح بزهکار است، گاهی عفو بهتر از مجازات، این هدف را تأمین می‌کند. پروفیسور گارو در این زمینه معتقد است اجرای صحیح و عاقلانه عفو موجب تشویق محکومین به اتخاذ راه صلاح و ارشاد آنها به اصلاح می‌شود.^۳

نکته دیگر شایان توجه این است که مجازات را قاضی در موقع صدور حکم محکومیت، معین می‌کند و نظر به احوال متهم در همان روز دارد و حال آن که چه بسا احوال غیرقابل پیش بینی بعداً پیدا می‌شود که هر یک از آنها برای قطع و عدم اجرای مجازات کافی است.^۴

تمایل قانونگذار بر تمسک مجرم به توبه و دفع کیفر از خود به نحوی گسترده در مدارک و منابع اسلامی منعکس است. پیراستن از زشتی و بزهکاری اگر چه ممکن است در پی اجرای کیفر نیز حاصل شود اما هیچ طهارتی برتر از توبه نخواهد بود. امام باقر (ع) می‌فرماید: «کسی که از گناه توبه می‌کند همانند کسی است که مرتکب گناه نشده است».^۵ علاوه بر موارد یاد شده، عفو خصوصی، تدبیری برای کاهش شدت مجازات‌هاست. این امتیاز خصوصاً در جرایم سیاسی به رئیس مملکت اجازه می‌دهد تا با عفو سران و رهبران سیاسی، بار دیگر آرامش و نظم را در جامعه مستقر کند.^۶ بر همین اساس،

^۱- رفیعی، عطاء الله، «بررسی جایگاه عفو در تنبیه»، روزنامه رسالت، شماره ۱۹۱۴، مورخه ۱۳۷۱/۶/۵، ص ۱۴.

^۲- نهج البلاغه، حکمت شماره ۲۰. «ایموا ذوی المروئات عثرا تمهم...».

^۳- گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاءالدین نقابت، جلد دوم، تهران، چاپ اول، انتشارات ابن سینا، بی تا، ص ۷۸۰.

^۴- گارو، همان، صص ۷۸۰-۷۷۹.

^۵- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۴۲۷.

^۶- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۲۶۱.

برخی از نویسندگان حقوق از آن به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر یاد می‌کنند و وجود چنین نهادی را برای حکومت، لازم و واجب می‌دانند.^۱

بنابراین در بیان ضرورت عفو خصوصی برای جامعه و قانونی بودن آن فوایدی دارد که به قرار ذیل است:

۱- عفو خصوصی از عواقب و نتایج احکامی که در اثر اشتباهات قضات محاکم عدلیه صادر و قطعی گردیده جلوگیری می‌نماید هر چند که تمامی آثار مترتب بر حکم را محو نمی‌کند اما به هر حال عفو خصوصی نوعی چاره اندیشی سریع است.

۱- وجود عفو در قوانین به زندانیان امیدواری بخشیده، که در صورت خوش رفتاری و انضباط زندان و نشان دادن آثار اصلاح مورد عفو واقع خواهند شد.

۲- عفو چاره مناسبی است برای کاهش شدت مجازات و ایجاد توازن میان عدالت و رحمت. بنابراین حق اعطای عفو امتیازی است که قوای حاکم هر کشور در اختیار دارد تا بتوانند در اعمال حاکمیت خود مصالح و منافع گوناگونی را تأمین کند. این امتیاز خصوصاً در جرایم سیاسی به رئیس مملکت اجازه می‌دهد تا با عفو سران و رهبران سیاسی بار دیگر آرامش و نظم را در جامعه مستقر سازد. عفو خصوصی تدبیری است برای کاهش مجازاتها از جمله مجازات اعدام در وضعی که ما بعد دیگر تحمل چنین مجازاتهایی را ندارد. علاوه بر آن، اعطای عفو در ترمیم خطاها و اشتباهات قضایی بسیار مؤثر است.

بند پنجم: شرایط عفو خصوصی

نکته دیگری که در این قسمت قابل توجه است این که تأثیر عفو، مشروط به قبول محکوم علیه نیست؛ زیرا عفو یا تخفیف مجازات محکومان از حقوق عمومی به شمار می‌آید.^۲

با توجه به ماده ۲۶ کمیسیون موارد زیر مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شود:

۱- قاچاقچیان حرفه ای ۲- موارد حق الناس ۳- سرقت مسلحانه ۴- تجاوز به زناى به عنف ۵- مصادیق مهم جرائمی از قبیل: جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم ربایی ۶- محکومین به جرائم مستوجب حدشرعی اعدام و رجم مانند زناى محصنه و لواط مشروط بر اینکه جرم آنان با شهادت شهود عادل ثابت شده باشد.

^۱- فوده، عبدالحکم، انقضاء الدعوی الجنائیه و سقوط عقوبتها، بیروت، منشاء المعارف بالاسکندریه، ۱۹۹۴ میلادی، ص ۴۲۴.

^۲- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۳۴.

با توجه به ماده ۲۴ کمیسیون عفو، جرایم ارتكابی، از نوع سرقت مسلحانه، قاچاقچیان حرفه‌ای، تجاوز و زناى به عنف، اعدام و رجم با اثبات شهادت شهود، جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدم‌ربایی نباشد.

بنابراین:

الف- عفو خاص شامل بزه‌کارانی شده که به موجب حکم دادگاه محکومیت شان قطعی و قابل اجراء گردیده است. لذا احکامی که به مرحله قطعیت و لازم الاجرا شدن نرسیده شامل نمی‌شود.

ب- مطابق آئین نامه بخشودگی و عفو مقرر شده اعطای عفو به تحمل بخشی از مجازات مشروط شده و یا حکم محکومیت در حال اجرا باشد.

ج- در استفاده محکومان از عفو خاص باید استحقاق آنها اجرا بشود که آیا مجازات در بزه‌کار تأثیر گذاشته است؟ لذا با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی روانی تک تک محکومان و اطمینان خاطر از رفتار آتی آنها، مشمول عفو قرار می‌گیرند.

بند ششم: آثار عفو خصوصی

پس از موافقت ولی امر با اعطای عفو نسبت به محکومان، از آنجا که این عفو قطعی و از شخص خاص (ولی امر) نشأت می‌گیرد و نه از جانب قانونگذار، واجد آثاری به قرار ذیل می‌باشد:

الف- مهمترین اثر عفو خصوصی سقوط مجازات است. به عبارت دیگر، عفو خصوصی اجرای مجازات را متوقف می‌سازد و در نتیجه محکوم علیه از تحمل تمام یا قسمتی از مجازات معاف می‌گردد.^۱ از سوی دیگر، تخفیف و تبدیل مجازات‌ها تنها نسبت به تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده قابل اعمال است و حدود و قصاص و دیات نیز تابع احکام خود هستند.

ب- برخلاف عفو عمومی، عفو خصوصی آثار محکومیت را زایل نمی‌کند.

ج- معافیت از تمام یا بخشی از مجازات اصلی، نباید تأثیری بر مجازات‌های تنیمی و تبعی که از آثار محکومیت کیفری است داشته باشد، مگر آن که در پیشنهاد و فرمان عفو به این گونه مجازات‌ها که نوعاً تعزیری است تصریح شده باشد.

د- عفو خصوصی نسبت به حقوق زیاندیدگان از جرم بی اثر است.

^۱ - شیرینی، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ اول،



ه- عفو خصوصی تأثیری در مورد شرکاء و معاونین جرم ندارد؛ زیرا عفو خصوصی به مجرم توجه دارد نه به جرم و عمل ارتكابی، لذا جنبه شخصی و فردی دارد و تنها شامل افراد مورد نظر مقنن می‌شود. بنابراین به شرکاء و معاونین جرم تعمیم پیدا نمی‌کند.

در خصوص حقوق اشخاص ثالث باید گفت که: عفو خصوصی تأثیری در حقوق متضرر از جرم ندارد بلکه محکوم علیه باید نسبت به پرداخت ضرر و زیان مورد حکم اقدام کند یا قراری در این خصوص گذاشته و یا رضایت مدعی خصوصی را جلب کرده باشد. این شرط در کلیه آیین نامه‌های کمیسیون عفو و بخشودگی تصریح شده است.^۱

«عفو» برابر قوانین کشور ایران به دو دسته عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود، اما برابر قانون مجازات اسلامی مصوب اردیبهشت سال ۹۲ در فصل یازدهم خود با عنوان «سقوط مجازات» و در ذیل مبحث اول خود به بیان مقررات مربوط به عفو مجرمان و متهمان پرداخته است. هرچند در قانون جدید نیز تشریفات انجام عفو خصوصی دقیقاً مثل قانون سابق و در نتیجه با پیشنهاد رییس قوه قضاییه و دستور مقام رهبری است.

همچنین در این راستا در ماده ۹۷ ق.م.ا آمده است: «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.» و در ماده ۹۸ ق.م.ا. جدید: «عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.»

بر اساس ماده ۱۱۴ ق.م.ا، در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، هر گاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌شود. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف، با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست کند. قانون مجازات کنونی در این بخش ناظر به عفو عمومی بوده و قانون مجازات سابق در این قسمت بیان کننده اثر عفو خصوصی است. اما به طور کلی هیچ کدام از دو قانون مجازات اسلامی، قیدی در مورد نوع عفو در این باره درج نکرده و بنابراین موجب اشتباه و سردرگمی مردم و به خصوص حقوقدانان شده‌اند.

^۱ - آخرین آیین نامه مصوب که در حال حاضر نیز لازم الاجرا می‌باشد، آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۹ می‌باشد.

ماده ۳۹ ق.م.ا، تحت عنوان تخفیف مجازات و معافیت از آن و ماده ۴۵ ق.م.ا، تحت عنوان تعویق صدور حکم است. در حقیقت یکی از تفاوت‌های این دو ماده آن است که ماده ۳۹ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۷ و درجه ۸ و ماده ۴۵ ناظر به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ است. بنابراین بر اساس ماده ۳۹ این قانون، شرط معافیت از کیفر این است که دادگاه کیفیات مخففه را احراز کند؛ یعنی ابتدا مجرمیت شخص و سپس کیفیات مخففه را احراز می‌کند و تشخیص می‌دهد که اگر مجازات اجرا نشود، مرتکب اصلاح می‌شود یا نه؟ زیرا یکی از اهداف اعمال مجازات اصلاح مرتکب است. از این رو در قوانین کشور ما قانون‌گذار برای مجازات؛ مواردی را از قبیل تخفیف مجازات، تعلیق مجازات، تشدید مجازات و سقوط مجازات در نظر گرفته است که توجه به هر یک از این موارد در راستای دستیابی به هدف مورد نظر نقش مهمی در صدور رأی عادلانه دارد.

همانطور که گفته شد عفو باید با درخواست رییس قوه قضاییه و به دستور مقام رهبری انجام شود، اما این بخشش مشمول همه زندانیان نمی‌شود و برخی از آنان باید دوره محکومیت خود را تمام و کمال بگذرانند. مطابق قانون مجازات اسلامی مجرمان حرفه‌ای قاچاق، جاسوسی، اختلاس، سرقت مسلحانه، تجاوز و زنای به عنف افرادی هستند که مشمول عفو یا تخفیف قرار نمی‌گیرند.



نتیجه گیری

از مجموع مباحث به دست آمده موضوع راجع به مبانی، آثار و شرایط انواع عفو با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نتیجه گرفته شد:

«عفو» به دو دسته عمومی و خصوصی تقسیم شده است، عفو اگر به صورت چشم پوشی از اجرای تمام یا قسمتی از مجازات محکوم باشد، عفو خصوصی است، ولی اگر به فراموشی سپردن و نادیده گرفتن جرم باشد، عفو عمومی است. در نظام کیفری اسلام، آنجا که عفو تجویز شده، اختیار آن، اعم از عفو خصوصی و عفو عمومی، با رهبر جامعه است که با رعایت مصلحت فرد و اجتماع، آن را اعمال می کند. بنابراین در شریعت اسلام، عفو محکومان و مجرمان در مجازات های مختلف با شرایط خاص پذیرفته شده است و آیات و روایات بر آن دلالت دارند و سیره عملی پیامبر (ص) و علی (ع) نیز آن را تأیید می کنند.

به استناد بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی و ماده ۹۶ق.م.ا، عفو خصوصی از اختیارات مقام رهبری است و مختص مرحله بعد از صدور حکم قطعی است و پیش از آن قابل اعمال نیست و فقط اجرای مجازات را در حدی که مورد عفو قرار گرفته است، موقوف می کند و قبول آن برای متهم اجباری نیست. در اغلب موارد، اعطای عفو خصوصی به درخواست محکوم علیه منوط می شود. با توجه به ماده ۹۷ق.م.ا، عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می کند و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود. همچنین در ماده ۹۸ق.م.ا، عفو همه آثار محکومیت را منتفی می کند؛ لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.

از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، عفو عمومی، شامل تمامی افراد می شود و ضمن حذف و الغاء مجازات ها، آثار محکومیت را از بین می برد و خللی به ماهیت عنوان و وصف مجرمانه وارد نمی سازد، زیرا عنوان و وصف مجرمانه کماکان باقی است و کلیه کسانی که بعد از تاریخ معین مرتکب آن شوند، برابر مقررات به مجازات می رسند. در خصوص تأثیر عفو عمومی بر حقوق اشخاص، ابطال حکم محکومیت جزایی مستلزم بطلان دعاوی حقوقی نمی تواند باشد، مگر اینکه در قانون خلاف آن تصریح شده باشد. پس عفو عمومی هیچ تأثیری بر حقوق اشخاص زیان دیده از جرم ندارد، زیرا وقتی مجازات از بین رفت، آثار فعلی که باعث زیان شده است، همچنان باقی است.

در خصوص این سوال که آیا عفو عمومی وصف مجرمانه عمل ارتكابی را از بین می برد یا خیر، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. اما در جواب سوال مذکور می توان گفت: از آن جهت که عفو

عمومی موجب محو کلیه آثار جرم از جمله مجازات‌های اصلی و تبعی و تکمیلی شده و شامل معاون جرم می‌گردد، از این رو عفو عمومی نیز موجب زوال وصف مجرمانه می‌گردد و نهایتاً در پایان این مقاله پیشنهادات زیر قابل توجه است:

۱- از آنجا که در مواردی، عفو محکومان و حفظ حیثیت اجتماعی ایشان آثار سازنده‌تر و مفیدتری نسبت به اجرای مجازات دارد و امنیت و آسایش جامعه را بهتر تأمین می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود که این مورد به صورت آشکار در تمامی مجازات‌ها مورد تصریح مقنن قرار گیرد.

۲- پیشنهاد می‌شود در مواردی که ولی امر حق عفو و صرفنظر کردن از مجازات حدی را دارد، بتواند به میزانی که تعزیر در تنبیه و اصلاح محکوم مؤثر است، مجرم را تعزیر نماید. تصریح به این مطلب در قانون امری شایسته و نیکو می‌باشد.

۳- تکرار جرم از موارد منع عفو باشد.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. آیین نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضائیه
۳. ابن منظور، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ج ۹، بیروت
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، چاپ هفدهم، نشر میزان ۱۳۹۰
۵. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات فردوسی جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ۱۳۸۹
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ قرآن کریم، قم، طلیعه نور، چاپ اول ۱۴۳۰
۷. رفیعی، عطاء الله، «بررسی جایگاه عفو در تنبیه»، روزنامه رسالت، شماره ۱۹۱۴، مورخه ۱۳۷۱/۶/۵
۸. زاکوی صافی، طه، المبادئ الاساسیه لقانون العقوبات البنانی، القسم العام، طرابلس لبنان، الموسسه الحدیثه للکتاب، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳ میلادی
۹. سمیعی، حسن، حقوق جزا، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸
۱۰. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲
۱۱. شیرینی، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲
۱۲. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، گنج دانش ۱۳۸۲
۱۳. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۲۴، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، چاپ اول ۱۳۶۴
۱۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، جلد ۴، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، چاپ اول ۱۳۶۴
۱۵. عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (التشريع الجنایی الاسلامی)، جلد اول، تهران، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۷
۱۶. فوده، عبدالحکم، انقضاء الدعوی الجنائیه و سقوط عقوبتها، بیروت، منشاه المعارف بالاسکندریه ۱۹۹۴
۱۷. قدسی، سید ابراهیم و سید رضا سجودی، «عفو در حقوق کیفری ایران و بررسی فقهی آن»، فصلنامه مطالعات اسلامی ۱۳۸۵

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، دارالاضواء ۱۴۱۳
۱۹. گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاءالدین نقابت، جلد دوم، تهران، چاپ اول، انتشارات ابن سینا ۱۳۸۲
۲۰. لیشی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث ۱۳۹۰
۲۱. نهج البلاغه، حکمت شماره ۲۰، ترجمه انصاریان، حسین، تهران، ناشر پیام آزادی ۱۳۹۰

۲۵۷

